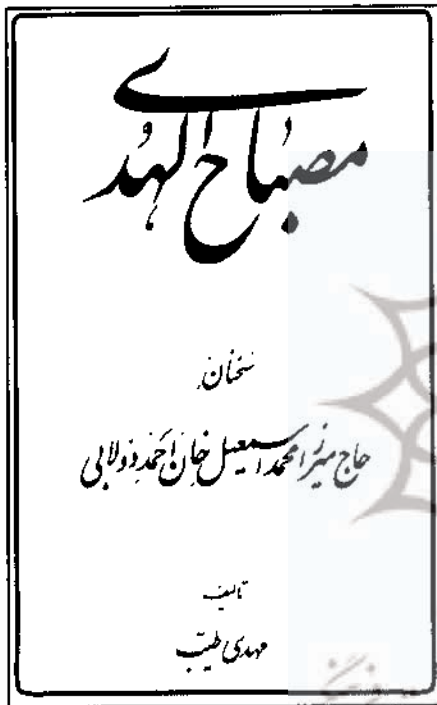




خبر صالح

۲

○ سیدعلی کاشفی خوانساری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲۰

کتابخانه
مطالعات

از معرفت و حکمت گفتنی نیست و یا خریداری ندارد. هم‌سو با مدرن شدن ساحات مختلف زندگی آنچه از کتابهای عرفانی - معرفتی در کتاب‌فروشی‌ها یافت می‌شود منسوب به عرفان غیراسلامی - غیرایرانی است. کتابهای عرفان هندی، چینی، سرخپوستی، اخلاق عملی (پراگماتیک) غربی، روشهای دوست‌یابی، توفیق در مدیریت، راز شادمانه زیستن و... که یا کلاً ترجمه‌اند و یا ماهیت ترجمانی دارند اگر هم به شکل محدود کتابی ایرانی بتوان یافت، قطعاً نه از دوران معاصر که از قرون ماضیه است. (به استثناء کتابهایی چون نشان از بی‌نشانها، کیمیای محبت و...)

البته این فقدان آثار تئوریک به معنای مرگ مکاتب و طرائق عرفانی ایرانی - اسلامی نیست. عرفان اسلامی - ایرانی در شاخه‌های مختلف خود با همه فراز و نشیب‌هایش همچنان از حیات نسبی برخوردار است و حتی به زعم برخی در آستانه دوران رونق دوباره‌ای قرار گرفته است. حال اینکه چرا شاخه‌ها و گروه‌های مختلف کمتر به آرایه مکتوب دیدگاهها و روشهای خود پرداخته‌اند بحث دیگری است. موانع

مکاتب عرفانی و اخلاق عملی رایج در ایران را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم کرد. مکاتب و اسلوبهایی که خاستگاه و رویکردی غیرایرانی - اسلامی دارند و دسته دیگر مکاتب و طریقه‌های اسلامی - ایرانی. دسته دوم خود شامل دو بخش اصلی است: تصوف، اخلاق و عرفان غیرصوفیانه (عمدتاً حوزوی). کتاب حاضر منسوب به گروه اخیر است.

بخش عمده‌ای از موارث ادب فارسی را کتابهای عرفانی تشکیل می‌دهند. گرچه بسیاری از عرفای ایرانی در قرون ماضیه مکتوبات و تقریراتی به زبان عربی به جای نهاده‌اند با این همه آثار عرفانی به زبان فارسی در گذشته ادبی این سرزمین فراوانند. آثاری منظوم یا منثور، حکمی، تفسیری، تحلیلی، داستانی، اخلاق عملی، اخلاق معیشتی و... با این همه در سالیان اخیر فراوانی این دسته آثار رو به کاستی گذارده. گویی دیگر در میان ایرانیان عارفان و یا علاقه‌مندان به عرفان ظهور نیافته‌اند. گویی دیگر در این سرزمین و به این زبان حرف تازه‌ای

از نظر شیوه و سیاق سلوک مندرجات کتاب را می‌توان مطابق با مکانی که بر محبت (و نه ریاضت) استوارند، گنجانند. مکتبی که بیشتر رهروان آن مجذوبان سالک‌اند و نه سالکان مجذوب. مکتبی که بیش از ذکر و عمل و زهد، مناجات و ریاضت فقط بر تغییر نوع نگاه به هستی تاکید دارد. یعنی نشانگاه تعلیمات آن نه اعمال، عادات و سایر جنبه‌های سالک بلکه تنها باور و نوع نگاه او به هستی است.

رسمی یا غیررسمی در حاکمیت، پرهیز از فعالیت گسترده و عمومی، بی‌رغبتی به فعالیت تئوریک و نظری و مکتوب، عدم اقبال دانته عمومی از چنین کتابهایی، موانع پنهان بازار نشر و توزیع کتاب و... می‌تواند از دلایل احتمالی بروز چنین موقعیتی باشد.

کتاب حاضر همان‌طور که گفته شد منسوب به یکی از طرایق و مکاتب غیرصوفیانه عرفان اسلامی - ایرانی است. این دسته از عرفان - که بیشتر برخاسته از حوزه‌های علمیه و ساری در میان عالمان و روحانیون اخلاقی مشرب است، و سالکان و طرفداران آن نسبت به گروه دیگر (صوفیان) از تشریح و تقید بیشتری به احکام فقهی و اعتقادات خاص شیعی برخوردارند - در قرن اخیر بیشتر به شکل دو مشرب یا دو سلسله اصلی در ایران نمود داشته است. هرچند افراد و گروههای دیگر نیز فراوان بوده‌اند.

دسته اول نسب از ملاقلی جولای، آیت... العظمی سیدعلی شوشتری و آخوند ملاحسین قلی در جزینی می‌برند و برخی بزرگان ایشان عبارت بوده‌اند از: آیت‌الله بهاری همدانی، آیت... میرزااجواد تبریزی، آیت‌الله سیداحمد کربلایی و آیت... قاضی. پس از ایشان در میان متاخران هم علامه طباطبایی، شیخ‌علی‌اکبر فریدی، آسیدهاشم خداده، آیت... کشمیری و در میان آنانکه هنوز درحیانت، آیت‌الله العظمی بهجت، آیت... حسن‌زاده آملی و بسیاری بزرگان دیگر. این مکتب را به صورت قراردادی به نام آیت... العظمی قاضی و شاگردان ایشان می‌شناسیم. دسته دوم منسوب به آیت... انصاری همدانی هستند و برخی چهره‌های بیشتر شناخته شده ایشان عبارتند از آیت... دستغیب، آیت... نجابت شیرازی، علامه سیدمحمدحسین تهرانی، حاج هادی ابهری، مرحوم مهندس تناوش و میرزا اسمعیل دولابی. که شخص آخر همان است که کتاب حاضر گزیده سخنان اوست و تنها فردی از این فهرست است که هنوز در میان ماست.

البته به هیچ وجه عرفان معاصر در این دو دسته محدود نیستند. تک‌چهره‌ها و یا سلاسل دیگری نیز بوده و هستند که از آن میان می‌توان به افرادی چون آیت... العظمی اراکی، آیت... بهاء‌الدینی، مرحوم معلم سمنانی، آیت... شاه‌آبادی، امام خمینی، آیت... پیدآبادی و بسیاری دیگر اشاره کرد. همچنین در کنار اهل عرفان افرادی که جنبه کرامات در ایشان در اولویت است و مکتبی مثل مکتب تفکیک و... هم وجود داشته‌اند.

چند از فقر عمومی کتاب‌های عرفانی اسلامی - ایرانی در بازار کنونی نشر، این کمبود در مورد سیاق شاگردان آیت... انصاری همدانی مضاعف بود. به طوری که می‌توان گفت هیچ کتاب جامع و فراگیری درباره این مشرب عرفان و روش سلوک تاکنون منتشر نشده بود و کتاب حاضر از این جهت که سندی عینی درباره یکی از شاخه‌های مهم عرفان اسلامی امروز ایران بدست می‌دهد و دیدگاه‌ها، روشها و منظر ایشان را آشکار می‌کند بسیار مغتنم است.

کتاب گزیده‌ای از سخنان آقای دولابی است که به صورت جملات و عبارات کوتاه ذیل فصول مختلف تنظیم و تدوین شده‌اند. هر فصل شامل تعدادی گفتار کوتاه و بلند (از یک جمله تا بیش از یک صفحه) است. برخی از فصول هفتاد و هشت گانه کتاب عبارتند از: توحید، رزق، تسلیم، شکر، ذکر، رجعت، نیت، مسیر سلوک الی...، سالک چگونه باید باشد مجالست، رفیق راه، روزه، حسن ظن به خلق، خانواده، رغبت و اکراه، نهج البلاغه، رجا و بشارت.

مقدمه‌ای از مولف، زندگینامه کوتاهی از آقای دولابی، متن و ترجمه حدیث معرفت امیرالمومنین به نورانیت، فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث معصومین و فهرست نام‌های افراد از ضمایم این کتاب هستند. سادگی بیان و پرهیز از نثر مغلق و بیان سخنورانه و مطمئن و به‌کارگیری لحن و عبارات عامیانه از ویژگی‌های مندرجات کتاب است. همچنین کوتاهی عبارات و ایجاز آن به بهتر خواننده شدن و جذاب‌تر بودن آن کمک می‌کند. تقطیع‌ها و تفصیلات جزئی کتاب هم به آن جنبه عملی و کاربردی بیشتری می‌دهد.

از نظر شیوه و سیاق سلوک مندرجات کتاب را می‌توان مطابق با مکانی که بر محبت (و نه ریاضت) استوارند، گنجانند. مکتبی که بیشتر رهروان آن مجذوبان سالک‌اند و نه سالکان مجذوب. مکتبی که بیش از ذکر و عمل و زهد، مناجات و ریاضت فقط بر تغییر نوع نگاه به هستی تاکید دارد. یعنی نشانگاه تعلیمات آن نه اعمال، عادات و سایر جنبه‌های سالک بلکه تنها باور و نوع نگاه او به هستی است. نگاهی که بر پایه حسن ظن کامل به خالق بنا شده است و بیشتر به جلوات جمالی حق نظر دارد تا جلوات جلالی و بیشتر بر محبت و بسط استوار است تا خوف و بکا و قبض. شیوه‌های این مکتب در عین حفظ استقلال و ویژگی‌های خاص خود گاهی به عرفان صوفیانه شیعی نزدیک می‌شود و گاهی با تاکید صرف به تغییر نوع نگاه برای هرگونه تغییر درونی و بیرونی کتابهای پراگماتیک روشهای خوشبختی غربی را به یاد می‌آورد. از جنبه دیگر سیاق این مکتب را می‌توان توحیدی خواند (در مقابل ولایی) و در میان سایر سلاسل عرفان شیعی غیرصوفیانه نزدیکی بیشتری با عرفان

هم‌سو با مدرن شدن ساحات مختلف زندگی آنچه از کتابهای عرفانی - معرفتی در کتاب‌فروشی‌ها یافت می‌شود منسوب به عرفان غیراسلامی - غیرایرانی است. کتابهای عرفان هندی، چینی، سرخپوستی، اخلاق عملی (پراگماتیک) غربی، روشهای دوست‌یابی، توفیق در مدیریت، راز شادمانه زیستن و... که یا کلاً ترجمه‌اند و یا ماهیت ترجمانی دارند اگر هم به شکل محدود کتابی ایرانی بتوان یافت، قطعاً نه از دوران معاصر که از قرون ماضیه است (به استثناء کتابهایی چون نشان از بی‌نشانها، کیمیای محبت و...)

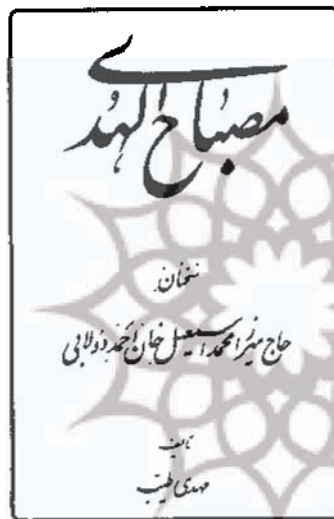


جدا از فقر عمومی کتاب‌های عرفانی اسلامی - ایرانی در بازار کنونی نشر، این کمبود در مورد سیاق شاگردان آیت... انصاری همدانی مضاعف بود. به طوری که می‌توان گفت هیچ کتاب جامع و فراگیری درباره این مشرب عرفانی و روش سلوک تاکنون منتشر نشده بود و کتاب حاضر از این جهت که سندی عینی درباره یکی از شاخه‌های مهم عرفان اسلامی امروز ایران بدست می‌دهد و دیدگاه‌ها، روشها و منظر ایشان را آشکار می‌کند بسیار مغتنم است

موضوعی ریزتر وجود داشته و گاهی فصلی تنها شامل ۳ جمله است. (مثل فصل مدیریت که این موضوع از مقولات مورد علاقه مؤلف است و نامبرده کتابی هم در این زمینه دارد) بهتر می‌بود که فصول کتاب کاهش می‌یافت و بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی موضوعی بر اساس اصول و فروع دین و یا رده‌بندی موضوعی دیوبی فصول مختلفی مثل توحید، نبوت، نماز، روزه،... ارایه می‌شد و از آن سو با یک نمایه عام مفصل و جامع کلیه موضوعات، اشخاص، کتابها، اماکن، احادیث، اتفاقات تاریخی و... قابل جستجو بود. چرا که در شکل فعلی هر سخن تنها ذیل یک موضوع آن (و نه همه جنبه‌های آن) طبقه‌بندی شده است.

آخرین نکته این که سادگی و روانی این کتاب در شرایط کنونی که بسیاری از نسل جوان از این مباحث فاصله گرفته‌اند و کتابهای موجود اصلاً زبان و بیان مناسب آنان را ندارد بسیار مغتنم است.

هرچند که نام کتاب، جلد گالینگور، طرح جلد و قیمت آن با این انگیزه و کاربرد سازگار نیست. در شکل حاضر شاید سادگی، جذابیت و روانی کتاب چندان برای آشنایان با این مباحث و متخصصان ضروری نباشد و نام، ظاهر و قیمت کتاب هم چندان برای نسل جوان جذاب. بهر حال انتشار این کتاب و سایر کتابهای مشابه برای علاقه‌مندان به مباحث اخلاقی و عرفانی بسیار مغتنم است. امید که شاهد مجلدات دیگر این کتاب و کتابهای دیگر از سایر گرایشهای عرفانی امروز ایران باشیم.



شیراز: انتشارات علمی و فرهنگی
مطالعات فرهنگی
موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی



اسلامی غیرشیعی، صوفیانه و آرا افرادی چون مولانا، حافظ و ابن عربی در آن مشاهده می‌شود (هرچند که فصل کوتاه دشمنان اهل بیت با این نگاه سازگاری ندارد و از عقاید خلفا ستیزانه‌ای برخوردار است) شاید به دلیل همین نزدیکی‌ها به سایر مکاتب عرفانی و آسان‌گیری‌های عملی است که در میان شاگردان آیت... انصاری افراد عادی و غیرمعموم بسیار دیده می‌شود اما شاگردان آیت... قاضی عمدتاً از میان علمای دین و فقها و مجتهدین برخاسته‌اند.

همان‌طور گفته شد کتاب بیشتر بر تغییر بینشی و نگرشی تأکید دارد تا آموزش و افزایش اطلاعات، لذا کمتر جنبه‌های اخلاق کلاسیک و نظری (استتیک) در آن ملاحظه می‌شود.

درباره کار و شیوه تدوینگر کتاب باید گفت که ایشان آنچه که طی شانزده سال در پای درس استاد خویش شنیده در این کتاب گزیده و تنظیم کرده و وعده انتشار مجلدات بعدی این کتاب را نیز داده است. کتاب حاضر برخلاف بسیاری از کتابهای اخلاقی از فصل‌بندی، فهرست و ضمائم و مشخصات فنی قابل قبولی برخوردار است و کتاب را برای استفاده در جامعه امروز مناسب ساخته است.

با اینهمه در ترتیب فصول (لااقل قبل از خواندن کتاب) منطق و روش خاصی مشاهده نمی‌شود. معلوم نیست چرا فصل رزق باید پیش نیت و فصل اخلاق پس از فصول مجالست، استغفار و شکر بیاید. همچنین ملاک تقسیم‌بندی هم روشن نیست. مثلاً یک جا فصلی ۲۲ صفحه را به خود اختصاص داده حال آنکه امکان تقسیم آن به فصول